



سومین نشست دوحه

یا

تلاش امریکا برای حفظ اقتدار هژمونی اش در منطقه

« کلیه مرتجعین ببر کاغذی هستند. مرتجعین بظاهر ترسناک به نظر می آیند، ولی در واقع چندان نیرومند نیستند. در بررسی مسایل از دید وسیع و طولانی ملاحظه می شود که نیروی عظیم واقعی را خلق صاحب است، نه مرتجعین. » (مصاحبه با خبرنگار امریکایی آنا لائیز استرانگ - اگست ۱۹۶۶ - آثار منتخب - جلد ۴ - مائوتسه دون)

سومین نشست دوحه با وجود اعتراضات گسترده‌ای که از یک ماه قبل از طرف فعالان مدنی و حقوق زن و هم‌چنان زنان معترض در کشورهای مختلف و شهرهای مختلف جهان بخاطر تحریم این نشست به راه افتاده بود، به تاریخ ۱۰ و ۱۱ سرطان ۱۴۰۳، در قطر تدویر یافت. فعالان جامعه مدنی و زنان معترض از سوی به اصطلاح جامعه جهانی خواستند که با طالبان که ناقض حقوق بشر و طرف دار آپارتاید جنسیتی اند تعامل نکنند. ما بارها بیان نمودیم که زنان و جامعه مدنی غرق در توهم اند، و متوجه نیستند که "جامعه جهانی" یعنی کشورهای امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و متحدانش که خود بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشراند و از آپارتاید جنسیتی و قرون وسطائی‌ها حمایت می‌کنند. امپریالیزم امریکا حسب منافع خود رژیم قرون وسطائی و زن ستیز طالبان را برای بار دوم بر اریکه قدرت نشاند. زیرا به خوبی می‌داند که در کشورهایی مانند افغانستان حکومت های دینی، هم عمر بیش تری دارند و هم بهتر می‌توانند منافع استعمارگرانه‌شان را تامین نمایند. نشست سوم دوحه توانست چهره امپریالیست های اشغال گر به رهبری امپریالیزم خون آشام امریکا را به تصویر بکشد، و نشان دهد که آن‌ها نه خواستار تامین حقوق بشر اند و نه خواهان تامین حقوق زنان. آن‌چه برای شان اهمیت دارد تامین منافع غارت‌گرانه شان است و بس.

چنین نشست هائی هیچ چیزی جز رسمیت بخشیدن به رژیم زن ستیز امارت اسلامی نمی‌باشد. صحبت درباره "حقوق بشر" و "حقوق زنان" از طرف به اصطلاح جامعه جهانی یک دروغ محض و آشکار است. نشست اول و دوم دوحه روی تعامل با طالبان تاکید داشت. تعامل با طالبان به معنای به رسمیت شناختن طالبان است و گویای این حقیقت است که به اصطلاح جامعه جهانی و در راس آن امپریالیزم امریکا هیچ ارزشی به "حقوق بشر" و "حقوق زنان" نمی‌دهند. بعد از نشست دوم دوحه طالبان با اطمینان خاطر اعلان نمودند که «تصمیم‌های منطقوی و جهانی که خلاف منافع ما و ارزش‌های اسلامی باشد هرگز عملی نخواهد شد».

در نشست دوم دوحه همه شرکت کنندگان روی تامین "حقوق بشر" و "حقوق زنان" در افغانستان هم نظر بودند، اما روی تعیین نماینده ویژه برای افغانستان اختلاف نظر داشتند. "سازمان ملل متحد" همیشه روی سه مسأله فوق الذکر پا فشاری داشت. چنان‌چه اجندای جلسه سوم نیز بر همین مبنا ترتیب و تنظیم شد. از طالبان در خواست گردید تا در نشست سوم دوحه شرکت نمایند. اما طالبان شرکت در نشست سوم دوحه را رد نمودند و اعلان کردند که اگر اجندا مطابق خواست شان ترتیب شود در نشست سوم دوحه شرکت خواهند نمود. آن‌ها به جامعه به اصطلاح جهانی گفتند که در نشست سوم دوحه باید روی "حقوق بشر"، "حقوق زنان" و تعیین نماینده ویژه در افغانستان صحبت نشود. طالبان اصرار داشته و دارند که با حضور یوناما در افغانستان، تعیین نماینده ویژه در افغانستان بی معنا است - و در ضمن طالبان از جامعه به اصطلاح جهانی خواستند که هیچ فردی از فعالان "جامعه مدنی"، زنان و نیروهای مخالف سیاسی شان در این نشست دعوت نشوند. اجرای این خواست در ابتدا از طرف "فعالان مدنی"، زنان و نیروهای مخالف سیاسی طالبان غیر ممکن به نظر می‌رسید، اما کشورهای امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و متحدانش به این خواست تن دادند.

"تعامل" امپریالیست‌ها با طالبان در ظرف سه سالی که از عمر ننگین امارت اسلامی می‌گذرد به خوبی نشان داد که این به اصطلاح جامعه جهانی و در راس آن امپریالیزم امریکا که طالبان را به عنوان "تروریست" شامل لیست "سیاه" کرده بودند و افراد بلند پایه شان را تحریم و

حتی مورد تعقیب قرار داده بودند، آن را نادیده گرفتند. چنانچه قبل از نشست سوم دوحه به صورت غیر علنی این تحریم‌ها را برداشتند. سفر ۴ مقام بلند پایه طالبان و در رأس شان سراج الدین حقانی به قطر و عربستان سعودی گویای این حقیقت است که آن‌ها از طرف کشورهای امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و متحدانش معافیت به دست آورده اند. دید و بازدیدها با مقامات بلند پایه طالبان در قطر و عربستان سعودی قبل از نشست سوم دوحه به معنای هم‌کاری وسیع امپریالیزم امریکا و متحدینش با طالبان می‌باشد.

امروز بر هیچ کس پوشیده نیست که روی هژمونی در افغانستان و منطقه میان امپریالیزم امریکا و متحدینش از یک طرف و روسیه و متحدینش از طرف دیگر رقابت سختی وجود دارد، نمونه بارز آن تشکیل کنفرانس شانگهای است که توسط رهبران سوسیال امپریالیزم چین، امپریالیزم روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان با هدف برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ امپریالیزم امریکا و متحدین ناتو در منطقه، پایه‌گذاری شد. علاوه برین شاهد بودیم که هم‌زمان با سفر سراج الدین حقانی و هم‌راهانش به قطر و عربستان، وزیر تحصیلات عالی، وزیر معارف و وزیر کار و امور اجتماعی امارت اسلامی افغانستان در طول یک هفته سه مرتبه به روسیه سفر نمودند. بر علاوه این سفرها، وزیر کار و امور اجتماعی طالبان در کنفرانس فارمت سن پترزبورگ روسیه نیز شرکت نمود. در همین گیر و دار بود که به تاریخ ۱۹ جوزای ۱۴۰۳ خورشیدی "گروه تماس منطقه‌ای برای افغانستان" در تهران با حضور نمایندگان ویژه ایران، پاکستان، چین و روسیه بدون حضور طالبان نشست خود را دایر نمودند. همه‌ای این نشست‌ها نیز به معنای نزدیک شدن و تعامل هر چه بیش‌تر روسیه و متحدینش با طالبان می‌باشد.

سومین نشست دوحه در اصل زمینه ساز دیدارها و گفتگوها با نمایندگان ازبکستان، روسیه، هند، عربستان، قزاقستان، انگلیس، نروژ، اندونزی، هلند و ایران برای طالبان بود، طوری که ذبیح الله مجاهد نیز اذعان نمود که با نمایندگان این کشورها دیدار و گفتگو داشته است. طوری که دیده میشود اکثریت کشورها خواهان بازگشائی سفارت هایشان در افغانستان هستند به شرطی که امپریالیزم امریکا این اجازه را برایشان بدهد. سومین نشست دوحه در اصل اخذ گزارش فعالیت‌های امارت اسلامی افغانستان در ظرف سه سال گذشته و زمینه گفتگوها میان نمایندگان امارت اسلامی افغانستان و نمایندگان ویژه ۲۲ کشور جهان و حدود هشت سازمان بین‌المللی بود.

«رزماری دی کارلو» معاون سیاسی دبیرکل سازمان ملل نیز بر علاوه دیدار با ذبیح الله مجاهد، در سومین نشست دوحه اذعان نمود که هدف اصلی سومین نشست دوحه «عادی سازی» روابط طالبان با جهان است. این گفته معاون سیاسی دبیرکل سازمان ملل متحد در اصل نه تأیید زمینه سازی‌ها، بل که تأیید هم‌کاری همه جانبه کشورهای امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و متحدانش با طالبان است. طوری که نمایندگان ویژه همه کشورهای شرکت کننده درین نشست، قول هم‌کاری با امارت اسلامی افغانستان را داده و اظهار نموده اند که از هیچ گروه نظامی علیه امارت اسلامی حمایت نمی‌کنند.

تعهد هم‌کاری و عدم حمایت از اقدامات نظامی علیه امارت اسلامی، هیچ هدفی را جز رشد و حمایت بنیادگرایی در افغانستان دنبال نمی‌کند، و تلاش امریکا برای حفظ اقتدار هژمونی اش در قبال چین و روسیه از یک طرف و در قبال کل منطقه از لحاظ استراتژیک به تصویر می‌کشد. امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم چین این هدف امپریالیزم امریکا را به خوبی درک می‌کنند و به همین علت تلاش می‌نمایند تا با طالبان وارد تعامل بیش‌تری گردند، و با این تعامل و هم‌کاری از یک سو هژمونی امریکا را در منطقه تضعیف سازند و از سوی دیگر موج بنیاد گرایی را علیه خود مهار نموده و از آن‌ها علیه مخالفین خود استفاده نمایند.

حمایت همه جانبه امپریالیزم امریکا از رژیم اشغالگر اسرائیل علیه حماس و حمایت همه جانبه امپریالیزم امریکا و اتحادیه اروپا از اوکراین علیه جنگ روسیه، و تحریک چین علیه تایوان، سه محور اصلی جنگ منطوقی را احتوا می‌کند که با رشد بنیادگرایی در افغانستان و حمایت بی دریغ امپریالیست‌ها از امارت اسلامی افغانستان بعنوان مهره‌های سر سپرده امپریالیزم در کانون و محراق چنین جنگی که از سه محور با سه جهت متفاوت می‌تواند روسیه و چین را از لحاظ تاکتیکی تضعیف بسازد، همراه است.

توافق‌نامه هم‌کاری های استراتژیک میان بارک اوباما و حامدکرزی که به تاریخ ۱۲ ثور ۱۳۹۱ (۲ ماه می ۲۰۱۲) و هم چنین "توافق‌نامه امنیتی" که به تاریخ ۸ میزان ۱۳۹۳ (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴) میان بارک اوباما و اشرف غنی به امضاء رسید به خوبی نشان داد که افغانستان را اشغال‌گران امپریالیست سه مرحله ای ساختند، مرحله اول از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۴ - مرحله دوم از سال ۲۰۱۴ الی ۲۰۲۴ و مرحله سوم از سال ۲۰۲۴ الی ۲۰۳۴ که بر اساس توافق‌نامه استراتژیک و به تعقیب قرارداد امنیتی شان، خط حرکتی ترسیم شده توسط ایالات متحده امریکا برای افغانستان بر مبنای همین توافق‌نامه و قرارداد امنیتی (پایگاه‌های نظامی اشغال‌گران در کشور) به پیش رفته و نشست سوم دوحه نشان داد که این توافق‌نامه و قرارداد امنیتی هم‌چنان به قوت خود باقی است و میز مذاکرات سومین نشست دوحه در قطر هرچند در ظاهر قضیه به نفع طالبان نشان داده شد، اما هر عنصر آگاه و انقلابی می‌تواند پشت پرده این سناریو را بخوبی درک نماید.

گزارشات ارائه شده توسط ذبیح الله مجاهد و تقاضای هم‌کاری در سومین نشست دوحه بیش‌تر متمرکز بر مسایل اقتصادی، مبارزه با مواد مخدر، سیستم مالی و بانک‌داری در افغانستان و حمایت از سکتور خصوصی با تمرکز به پشتیبانی از زنان کار آفرین بوده است، که می‌تواند

سکتور خصوصی را با نظام اقتصاد بازار آزاد گره زند و زمینه رشد موسسات غیر دولتی و حضور بالفعل و بالقوه نیروهای نظامی و استخباراتی امپریالیست ها را در لباس "مدافعین حقوق بشر"، "یوناما" و موسسات خیریه در افغانستان هموار سازد. اولین نشست دوحه که به تاریخ ۱۰ ثور ۱۴۰۲ با حضور نمایندگان ۲۵ کشور و سازمان‌های بین‌المللی برگزار گردید، روی بحران بشری و عدم حضور زنان در ساختار دولت و موسسات خارجی صحبت شد، اما در نهایت امر نتیجه‌گیری نمایندگان کشورها درین نشست این بود که بحث در پشت درهای بسته بدون حضور نماینده امارت اسلامی افغانستان، مداخله در امور داخلی شمرده می‌شود و به همین خاطر پایان نشست اول دوحه را بدون نتیجه اعلام نمودند.

دومین نشست دوحه که به تاریخ ۲۹ دلو ۱۴۰۲ - ۱۸ فروری ۲۰۲۴ (حدوداً هشت ماه بعد از نشست اول) دایر گردید، نمایندگان ویژه ۲۱ کشور از منطقه و جهان در امور افغانستان از جمله چین، روسیه، پاکستان، ایران و امریکا و نمایندگان ویژه اتحادیه اروپا و سازمان همکاری‌های اسلامی برای دو روز با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، دور یک میز جمع شدند و درباره آینده رابطه‌شان با افغانستان بحث و گفتگو نمودند و در پایان اجلاس، نشست دوم را نیز بدون نتیجه اعلام نمودند؛ اما دیده می‌شود که مباحثات بخاطر تأمین رابطه با امارت اسلامی افغانستان در دومین نشست دوحه از اهم موضوعاتی بوده است که زمینه ساز اخذ مجوز برای کشورهای منطقه از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد و در راس شورای امنیت سازمان ملل متحد و امپریالیزم امریکا می‌باشد که اقتدارممنشی امپریالیزم امریکا را در قبال کشورها علی‌الخصوص روسیه و چین بخوبی برجسته می‌سازد.

هژمونی و اقتدار طلبی امپریالیزم امریکا در منطقه و افغانستان می‌تواند بر گسترش جنگ استخباراتی اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و کشورهای منطقه به شمول روسیه و چین حدت بیش‌تری بخشد.

در شرایط کنونی، وظیفه عاجل مبارزاتی ما عبارت از راه اندازی، رهبری و پیش‌برد قیام‌های مسلحانه بر محور جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی و افشاکری وسیع جنگ استخباراتی اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و کشورهای منطقه بشمول امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم چین، و بازی‌های پشت پرده امپریالیست‌ها با طالبان می‌باشد که افغانستان بعنوان محراق این جنگ استخباراتی انتخاب گردیده است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از تمامی مائوئیست‌ها و نیروهای ملی - دموکراتیک و انقلابی افغانستان می‌خواهد که نیاز عاجل مبارزاتی کنونی را درک نموده و در جهت وحدت همه مائوئیست‌ها و تمامی نیروهای ملی - دموکراتیک و انقلابی گام به جلو گذارند. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تمام مساعی خود را در این راه بکار خواهد برد.

مرگ بر مدافعین دروغین حقوق بشر و حقوق زنان در جهان

نابود باد رژیم قرون وسطائی طالبان این دست نشاندگان امپریالیزم امریکا

به پیش در راه وحدت همه نیروهای مائوئیست و تمامی نیروهای ملی - دموکراتیک و انقلابی کشور

به پیش در راه برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۱۵ سرطان ۱۴۰۳ (۵ جولای ۲۰۲۴ م.)

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com